



Securities & Exchange Organization, Research, Development & Islamic Studies (RDIS)
Journal of Securities and Exchange, Winter 2022, V. 14, No.56, pp. 21-40

Feasibility Study of the Right to Sell Goods on the Iran Commodity Exchange with a Comparative Study of the Iranian Law System and the Convention on International Trade in Goods (1980)¹

**Mehdi Haji Gholam Saryazdi², mahdi nazmi ardakani³,
Ali Akbar Jafari Nadoushan⁴**

Received: 2021/07/06

Approved: 2021/10/30

Abstract

The development and expansion of commodity exchanges and the prospect of their Trans nationalization require that while examining the relevant laws and rights at the international level, the ground for their development and implementation in order to increase interactions with foreign exchanges and identify new export markets. One of these rights is the right to resell the goods covered by the International Convention on the Trading of Goods (1980). Studies show that the possibility of resale is not provided not only in commodity exchanges but also in the Iranian legal system, and the resale of goods before the termination of the initial transaction in one of the legal or contractual ways, the seizure of other and subject property The rules of transactions are volatile. The results of the research indicate that by amending the relevant instructions in the Iran Commodity Exchange, the right to resell the goods to the buyer and the seller can be used, and thus the possible damages caused by the buyer's non-transaction or delivery of non-compliant goods by the contract. The seller stopped.

Kew Words: Resale, Sale Convention, Commodity Exchange, Settlement and Exchange.

JEL Classification: G23, G28, K22, N25

1. DOI: 10.22034/JSE.2021.11370.1546

2. PhD Student, Department Financial Law, Yazd University, Yazd, Iran. (M.hajigholam@gmail.com).

3. Assistant Professor, Department of Accounting and Finance, Yazd University, Yazd, Iran. (Corresponding Author). (nazemi@yazd.ac.ir).

4. Assistant Professor, Department of Law and Political Science, Yazd University, Yazd, Iran. (JafariNadoushan@yazd.ac.ir).



سازمان بورس و اوراق بهادار، مرکز پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی

فصلنامه بورس اوراق بهادار، سال چهاردهم، شماره ۵۶، زمستان ۱۴۰۰، صص ۴۰-۲۱

امکان سنجی حق بافروش کالا در بورس کالای ایران با مطالعه تطبیقی در نظام حقوقی ایران و کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا (۱۹۸۰)^۱

مهدی حاجی غلام سربزیدی^۲، مهدی ناظمی اردکانی^۳، علی‌اکبر جعفری ندوشن^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۰۸

چکیده

توسعه و گسترش بورس‌های کالایی و چشم‌انداز فراملی شدن آنها ایجاب می‌کند که ضمن بررسی قوانین و حقوق مرتبط در سطح بین‌الملل، زمینه تدوین و اجرای آنها را فراهم کند. یکی از این حقوق، حق بافروش کالا است که در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا (۱۹۸۰) به آن پرداخته شده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد هرچند حق بافروش در بورس‌های کالایی و نظام حقوقی ایران پیش‌بینی نشده است، ولی با اصلاح دستورالعمل‌های مربوط در بورس کالای ایران می‌توان از حق بافروش کالا برای خریدار و فروشنده استفاده و از خسارت‌های احتمالی ناشی از نبود قبض مبیع توسط خریدار و یا تحویل مبیع نامنتطبق با قرارداد توسط فروشنده جلوگیری کرد، بنابراین این پژوهش توصیفی-تحلیلی به بررسی این موضوع می‌پردازد.

واژه‌های کلیدی: بافروش، کنوانسیون بیع، بورس کالا، تسویه و پایاپای.

طبقه بندی موضوعی: G23, G28, K22, N25

DOI: 10.22034/JSE.2021.11370.1546

۲. دانشجوی دکتری، گروه حقوق مالی، دانشگاه یزد، یزد، ایران. (m.hajjgholam@gmail.com)

۳. استادیار، گروه حسابداری و مالی، دانشگاه یزد، یزد، ایران. (نویسنده مسئول). (nazemi@yazd.ac.ir)

۴. استادیار، گروه حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه یزد، یزد، ایران. (jafarinadoushan@yazd.ac.ir)

مقدمه

راه‌اندازی بورس کالا در ایران با ایجاد بورس فلزات در سال ۱۳۸۲ و پس از آن بورس کالای کشاورزی در سال ۱۳۸۳ آغاز شد و بر اساس قانون جدید بازار اوراق بهادار و مصوبه شورای عالی بورس در آذر ماه سال ۱۳۸۵ شرکت بورس کالای ایران به صورت شرکت سهامی عام با ادغام بورس فلزات و کشاورزی تشکیل شد (سلطانی‌نژاد و حاجی‌وند، ۱۳۹۷، ص ۱). بورس کالای ایران پس از فراز و نشیب‌های بسیاری که در بیش از یک دهه فعالیت به خود دیده، در حال حاضر با افزایش دامنه فعالیت در بخش‌های مختلف، توسعه بازار مالی با ورود صندوق‌های سرمایه‌گذاری کالایی و افزایش حجم معاملات گواهی سپرده کالایی، برنامه ریزی به منظور گسترش فعالیت‌ها در سطح بین‌المللی را دنبال می‌کند. بنابراین ایجاد سازوکار و تدوین دستورالعمل‌های مناسب در راستای این هدف، لازم است در برنامه مقررات‌گذاران بازار سرمایه قرار گیرد. از طرف دیگر، کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا (۱۹۸۰)، یکی از مهمترین و موفق‌ترین اسنادی است که در زمینه یکسان‌سازی حقوق قراردادهای، تصویب و لازم‌الاجرا شده است (حاجی‌عزیزی و بیات، ۱۳۹۷، ص ۳۲۱) و مزایای بسیاری در زمینه تجارت بین‌الملل داشته و هدف آن به حداکثر رساندن فروش‌های بین‌المللی است (بوکلی و زیگلر^۱، ۲۰۱۴). از ویژگی‌های اصلی آن می‌توان به سادگی، عملیاتی بودن و شفافیت آن اشاره کرد (سونو^۲، ۱۹۸۴). انتظار می‌رود ضمن افزایش اطمینان حقوقی، هزینه‌های معاملاتی خریداران و فروشندگان بین‌المللی را کاهش دهد (کانیبرتی^۳، ۲۰۰۶). اهمیت موضوع مورد بررسی در صورت تصمیم ایران به منظور پیوستن به کنوانسیون و همچنین به جهت شناخت حقوق تجارت و شرکت‌های طرف معامله با کشورهای پیوسته شده به کنوانسیون دوچندان می‌شود (رجایی و آریز، ۱۳۹۸، ص ۱۲۲). در راستای اهداف این مقاله در ابتدا اهمیت بورس کالای ایران به عنوان مهمترین بورس کالایی کشور اشاره می‌شود، سپس بازفروش کالا در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا مورد توجه قرار گرفته و به بررسی پژوهش‌های مرتبط با موضوع مقاله پرداخته و در ادامه وضعیت فعلی قوانین حقوقی داخلی و بورس کالای ایران در ارتباط با حق بازفروش به تفصیل بحث و پیشنهادهای موثر در زمینه اصلاح قوانین و دستورالعمل‌ها ارائه می‌شود.

1. Bukley & Ziegler
 2. Sono
 3. Cuniberti

اهمیت بورس کالا

سابقه تشکیل بورس‌های کالایی در جهان به قرن ۱۹ میلادی باز می‌گردد که به دلیل نارسایی‌ها و ناکارآمدی‌های بازار سنتی شکل گرفتند (سلطانی‌نژاد و حاجی‌وند، ۱۳۹۷، ص ۷۶) و این بازار با هدف بدست آمدن قیمت منصفانه، برقراری رقابت و تقابل میان عرضه‌کنندگان و متقاضیان (خریداران و فروشندگان) ایجاد شده است (دالتون^۱ و همکاران، ۲۰۰۷). شفافیت دادوستدها، از میان رفتن واسطه‌ها و دلالت‌ها، مدیریت ریسک، ایجاد نظام قیمت‌گذاری شفاف بر پایه تعادل میان عرضه و تقاضا و نیاز بازار، ایجاد هماهنگی میان بخش‌های تولیدی و بازرگانی در زمینه صادرات و واردات و... از جمله کارکردهای بازارهای کالایی در راستای بهبود شرایط اقتصاد و صنایع در سراسر جهان هستند (سلطانی‌نژاد و حاجی‌وند، ۱۳۹۷، ص ۱). شرکت بورس کالای ایران به موجب ماده ۵۸ قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب آذر ماه سال ۱۳۸۴ مجلس شورای اسلامی تاسیس شد (بورس کالای ایران، ۱۳۹۷، ص ۵). در قوانین و مقررات جاری کشور به اهمیت و جایگاه بورس کالا اشاره شده است و قانون‌گذاران نقش‌ها و کارکردهای مهمی را برای این بخش از بازار سرمایه تعیین کرده‌اند. بر اساس قانون افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی و منابع طبیعی مصوب تیرماه ۱۳۸۹ مجلس شورای اسلامی، دولت مکلف است در راستای تحقق سند چشم‌انداز بیست ساله کشور، سیاست‌های کلی نظام و قانون سیاست‌های اجرایی اصل ۴۴ قانون اساسی زمینه‌ها، برنامه‌ها، تسهیلات و امکانات بالابردن بهره‌وری و اصلاح الگوی تولید و مصرف بخش کشاورزی و منابع طبیعی را فراهم و به مرحله اجرا درآورد و بر اساس تبصره ۴ ماده ۶ این قانون، به منظور حمایت از بهره‌برداران و مصرف‌کنندگان و شفافیت قیمت‌ها و ایجاد تعادل در بازار محصولات و تولیدات کشاورزی، خرید و فروش نهاده‌ها و محصولات تولیدی، در صورتی که از اقلام قابل معامله در بورس کالا باشند، باید از طریق این بورس انجام شود، همچنین در اجرای ماده ۳۳ قانون بهره‌وری بخش کشاورزی و منابع طبیعی کلیه محصولاتی را که دولت خرید تضمینی می‌کند به تدریج باید از طریق بورس کالا به صورت قیمت تضمینی معامله شوند (سلطانی‌نژاد و حاجی‌وند، ۱۳۹۷، ص ۲۲۰). مطابق بند (و) ماده ۹۹ قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران در بازار سرمایه کشور «کالاهایی که در بورس‌ها کالایی به عنوان بازار متشکل، سازمان یافته و

1. Dalton

تحت نظارت پذیرفته شده و مورد داد و ستد قرار می‌گیرند طبق قوانین و مقررات حاکم بر آن، بورس‌ها عرضه شده و مورد معامله قرار می‌گیرد. عرضه، معامله، تسویه و تحویل نهایی کالاهای یادشده مشمول قوانین و مقررات مربوط به بازارهای غیرمتشکل کالایی نیست. در واقع می‌توان گفت قانون‌گذار در دو نوبت تلاش کرده است تا وضعیت عرضه در بورس کالا را تقویت کند، مطابق ماده ۱۷ قانون ابزارها و نهادهای مالی جدید «خرید و فروش کالاهای پذیرفته شده در بورس‌های کالایی که با رعایت مقررات حاکم بر آن بورس‌ها مورد دادوستد قرار می‌گیرند، توسط وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، نهادها و دستگاه‌های دولتی و عمومی و دستگاه‌های اجرایی نیاز به برگزاری مناقصه یا مزایده و تشریفات مربوط به آنها ندارند». همچنین وفق ماده ۱۸ همین قانون، ضمن مستثنی نمودن دارو، دولت مکلف است کالاهای پذیرفته شده در بورس را از نظام قیمت‌گذاری خارج کند (سلطانی، ۱۳۹۱، ص ۱۰۹). ماده ۳۷ قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور مصوب سال ۱۳۹۴ مجلس شورای اسلامی نیز بر عرضه مواد خام از طریق عرضه محصولات در بورس کالا و صادرات محصولات از این مسیر اشاره می‌کند که اجرای آن می‌تواند ضمن شفاف‌سازی در بازار صنایع مختلف، به کشف واقعی قیمت محصولات نیز کمک کند (سلطانی‌نژاد و حاجی‌وند، ۱۳۹۷، ص ۲۲۵). در قانون نظام جامع دامپروری کشور مصوب سال ۱۳۸۸ نیز به بورس‌های کالایی اشاره شده است و ماده ۱۹ این قانون به این شرح است: در صورت وجود مازاد تولید محصولات دامی اعم از خام و فرآوری شده، دولت موظف است شرایط حضور تولیدکنندگان در بازارهای جهانی را آسان کند. همچنین دولت باید زمینه‌های گسترش بورس کالاهای کشاورزی به محصولات دامی را فراهم کند (همان منبع، ص ۲۲۷). در قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید که به منظور تسهیل اجرای سیاست‌های کل اصل ۴۴ قانون اساسی مصوب سال ۱۳۸۸ است نیز در چندین مورد به بورس کالای ایران اشاره کرده است و طبق ماده ۶ این قانون، ضمن اصلاح ماده ۱۴۳ قانون مالیات‌های مستقیم معادل ۱۰ درصد درآمد حاصل از فروش کالاهایی که در بورس‌های کالایی پذیرفته شده و به فروش می‌رسند را از بخشودگی مالیاتی برخوردار کرده است.

حق بافروش کالا

در حقوق داخلی ایران برخی از شیوه‌های جبران خسارت ناشی از نقض تعهدات قراردادی همچون الزام به اجرای تعهد، فسخ قرارداد و مطالبه خسارت با آنچه در اسناد و کنوانسیون‌های

بین المللی مقرر شده است مشترک هستند، اما برخی از شیوه های موجود در این اسناد در حقوق ایران وجود ندارند و خاص آنها هستند که عبارتند از: جریمه قضایی، پرداخت بهره، تقلیل ثمن معامله و بازفروش کالا (معصومی، ۱۳۹۷، ص ۷)، بنابراین در این قسمت به بررسی حق بازفروش کالا به عنوان یکی از جنبه های تفاوت در حقوق داخلی ایران و کنوانسیون پرداخته شده است.

تعریف و اهمیت بازفروش کالا

یکی از ضمانت اجراهای غیر قضایی که در برخی سیستم های حقوقی در جهت حفظ حقوق فروشنده در مقابل نقض تعهدات از سوی خریدار پیش بینی شده حق فروش مجدد کالا توسط فروشنده است که جوهره اصلی آن بازستاندن حقوق فروشنده بدون لزوم مراجعه او به دادگاه و اقامه دعوی است. در حقوق ایران این نهاد جایگاهی ندارد و فروش مجدد کالا توسط فروشنده قبل از فسخ معامله اولیه به یکی از طرق قانونی یا قراردادی، تصرف در مال غیر و تابع احکام معاملات فضولی است (اصغری آقمشهدی و زارعی، ۱۳۸۹، ص ۱۸۳).

جامع ترین نوع بازفروش میبع را می توان در کنوانسیون بین المللی بیع کالا ۱۹۸۰ یافت. با توجه به آن سند بین المللی، باز فروش میبع نوعی ضمانت اجرا برای پیشگیری از انسداد رابطه قراردادی مختل (بند ۱ ماده ۸۸ کنوانسیون) و یا جلوگیری از زیاده هزینه های نگهداری میبع (بخش دوم بند ۲ ماده ۸۸ کنوانسیون) یا پیشگیری از فساد موضوع قرارداد (بخش اول بند ۲ ماده ۸۸ کنوانسیون) است.

بازفروش را می توان در دو معنا به کار گرفت معنای نخست بیع مجدد کالا از جانب خریدار عمده و به منظور توزیع است. اما معنای دوم که هدف این مقاله است نفی تحمیل نگهداری نامحدود میبع به طرف قرارداد و بلا تکلیفی آن است. این حق در کالاهای فاسدشدنی و کالاهای مشمول هزینه زیاد تکلیفی است که ممکن است به دست فروشنده یا خریدار اجرا شود. پس در تعریف باز فروش میبع می توان گفت فروش میبع به منظور پیشگیری از انسداد نامحدود رابطه قراردادی یا جلوگیری از فساد میبع یا از زیاده هزینه های نامتعارف نگهداری کالا به دست طرف دیگر قرارداد که در عین نبود مالکیت ملزم به نگهداری آن است. به عبارت دیگر فروشنده یا خریدار بنا بر شرایطی که پس از انعقاد بیع و به سبب رفتار طرف مقابل یا بیرون از اراده او ایجاد شده، برای جبران خسارات یا پیشگیری از خسارات بیشتر، میبعی را که در مالکیت آن با انعقاد یا فسخ قرارداد به طرف دیگر انتقال یافته را می فروشد (صادقی مقدم و رجبی، ۱۳۹۰، ص ۳۰۰).

بنابراین هنگامی که کالا در معرض فساد سریع یا مستلزم مخارج نامتعارف نباشد بازفروش کالا اختیاری است ولی اگر کالا در معرض فساد سریع باشد یا نگهداری آن مستلزم هزینه‌های نامتعارف باشد، بازفروش کالا اجباری است (هونلند^۱، ۱۹۹۱).

بازفروش کالا در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا

در هر معامله ای ممکن است وضعی پیش آید که سبب ورود خسارت، یا فساد کالای موضوع معامله شود. اگر تدبیری برای رفع این مشکل اندیشیده نشود، امکان ورود ضرر به یک طرف بدون توجیه قانونی وجود دارد. کنوانسیون (منظور از کنوانسیون، از اینجا تا پایان مقاله، کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا ۱۹۸۰ است) در مواد ۸۵ و ۸۶ تکالیفی برای هر دو طرف معامله در مواقعی که به واسطه بروز اختلاف، کالای موضوع معامله در معرض خسارت، یا فساد قرار می‌گیرد معین کرده تا مانع از بروز ضرر اضافی بر دو طرف شود.

الف) وظایف فروشنده: در صورتی که پس از معامله، مبیع نزد فروشنده بود و هنوز برای خریدار ارسال نشده، یا اگر ارسال شده به علت نرسیدن به خریدار، یا تأخیر در تحویل گرفتن آن هنوز تحت کنترل فروشنده باشد، وظیفه حفظ و نگهداری از کالا به عهده وی است، حتی اگر خریدار به دلیل نقض قرارداد از تحویل گرفتن آن خودداری کرده باشد (صفایی، ۱۳۹۰، ص ۲۶۸).

بر اساس بخش اول ماده ۸۵ کنوانسیون، در مواردی که قبض و قبوض مبیع و ثمن باید به طور همزمان صورت پذیرد و خریدار از پرداخت ثمن خودداری کرده، یا در تحویل گرفتن کالای موضوع قرارداد تأخیر کند، اگر کالا هنوز در تصرف، یا تحت کنترل فروشنده باشد، وی موظف است اقدام لازم و متعارف در حفظ و نگهداری آن کالا را به عمل آورد که سپردن آن به انبار شخص ثالث یکی از این اقدامات است (مواد ۸۵ و ۸۷ کنوانسیون).

ب) وظایف خریدار: مشابه وظیفه بالا را کنوانسیون برای خریدار هم پیش بینی کرده است. بر اساس ماده ۸۶ کنوانسیون، اگر کالای ارسالی توسط خریدار دریافت شده و یا برای بازرسی در اختیار وی گذارده شده باشد و وی بخواهد بر اساس اختیاری که طبق قرارداد یا مواد کنوانسیون دارد تمام کالا یا بخشی از آن را به دلایلی رد و مسترد کند، موظف است در طول

مدت زمانی که کالا در اختیار او است، اقدامات متعارف به منظور حفظ و نگهداری آن کالا را به عمل آورد. از جمله این اقدامات سپردن کالا به انبار شخص ثالث برای نگهداری است (ماده ۸۷ کنوانسیون). اگر او به این تعهد خود عمل کند و کالا را حفظ و نگهداری کند، در مقابل حق خواهد داشت تا زمانی که هزینه‌های متعارف این اقدام به وی پرداخت نشده، از رد آن کالا خودداری کند (ماده ۸۶ کنوانسیون). البته ماده ۶ کنوانسیون به طرفین اجازه می‌دهد تا شمول مقررات آن را استثنا کنند یا از آثار هر یک از مقررات آن عدول کنند یا آنها را تغییر دهند بنابراین در موارد برخورد میان قرارداد و کنوانسیون، مشتری باید تعهداتش را به ترتیب مقرر در قرارداد اجرا کند (کریترز، ۱۹۹۸).

در خصوص معاملات بازار سرمایه پژوهش‌های متعددی صورت پذیرفته است که این پژوهش‌ها منحصر در حوزه اوراق بهادار سرمایه‌ای، اوراق بهادار بدهی و اوراق مشتقه است و نسبت به بازار فیزیکی بورس‌های کالایی شامل بورس انرژی و بورس کالای ایران پژوهش قابل توجهی صورت پذیرفته است (شهیدی، ۱۳۹۳، ص ۸)، البته در مورد کنوانسیون و حقوق ایران می‌توان به پژوهش‌های زیر اشاره کرد. مریم نجفی تیرتاشی (۱۳۹۳) در پژوهشی به بررسی «شیوه‌های جبران خسارت در حقوق ایران و کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا ۱۹۸۰» پرداخته و به این نتیجه رسیده است که اصول، شرایط و روش‌های جبران خسارت قراردادی کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا (۱۹۸۰ وین) و حقوق ایران تفاوت قابل ملاحظه‌ای ندارد، زیرا کنوانسیون و حقوق ایران بر اصل جبران کامل خسارت، اولویت روش پرداخت معادل پولی خسارت، آزادی کافی در انتخاب روش مناسب جبران خسارت در فقدان تراضی دو طرف بر روش خاص و حصری نبودن روش‌های پولی و عینی مقرر در کنوانسیون و قوانین داخلی اتفاق نظر دارند و روش‌های بافروش کالا، تقلیل ثمن و تعمیر کالا به عنوان طرق پولی یا عینی جبران خسارت که در کنوانسیون مقرر شده در حقوق ایران نیز تحت شرایط خاصی قابل اجرا است. تار (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «تعهد مشتری به پرداخت ثمن در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا (۱۹۸۰ وین) و حقوق ایران» بیان می‌کند که مشتری مکلف است ثمن را با هزینه خودش در زمان و مکانی که هنگام عقد مشخص شده، (مطابق با شرایطی که به وسیله‌ی طرفین تعیین شده

است) پرداخت کند. در صورتی که ثمن یا شیوه تعیین آن در قرارداد مشخص نشده باشد، میان کنوانسیون و حقوق ایران اختلاف وجود دارد. عباسی منش (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «اعطای مهلت اضافی توسط فروشنده یا خریدار به طرف مقابل در جهت اجرای تعهد در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا (مصوب ۱۹۸۰ وین) و حقوق ایران» بیان می‌کند که در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا با پیش‌بینی راهکار اعطای مهلت اضافی به متعهد جهت اجرای تعهد، سعی شده که اصل سرعت در دنیای تجارت حفظ شود و متعهدله بدون نیاز به مراجعه به مراجع قضایی، از قید قراردادی که با عدم اجرای تعهدات یادشده در آن موجب ورود زیان به وی می‌شود، رها شود. در حقوق ایران نبودن نص قانونی در این خصوص موجب بروز مشکلات عدیده ای شده، از جمله روند طولانی رسیدن به حق فسخ قرارداد با درخواست اجرای تعهد که منجر به افزایش حجم پرونده های مطروحه در این زمینه در محاکم نیز شده، اما به واسطه تعلل در فسخ، علی‌رغم خواسته متعهدله حق فسخ زائل می‌شود در حالی که با استفاده از راهکار اعطای مهلت به فرض زوال حق فسخ، متعهدله می‌تواند، در صورت عدم اجرای تعهد ظرف مهلت از حق فسخ برخوردار باشد. فرجی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «تعلیق اجرای قرارداد در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا (۱۹۸۰ وین) و حقوق ایران» از آثار تقابل عوضین در عقد بیع این است که در صورت تخلف یکی از دو طرف، برای طرف دیگر حق امتناع از انجام تعهد پدید آید. هدف و انگیزه اصلی طرفین عقد بیع علاوه بر مالکیت، در اختیار گرفتن عوضین است و بر اثر آن، برای هریک از طرفین حق حبس در نظر گرفته شده و آنها می‌توانند برای نیل به این هدف، اجرای تعهد از سوی خود را به اجرای تعهد طرف مقابل موکول سازند.

کنوانسیون بیع، قوانین و دستورالعمل های بورس کالای ایران و قوانین حقوقی ایران

انطباق کالا با مفاد قرارداد شامل مقدار کالای مورد توافق، کیفیت کالای مورد توافق و بسته‌بندی و ظرف‌بندی کالا از جمله موارد مهمی است که در کنوانسیون بیع، حقوق ایران و هم در بورس کالا به آن اشاره شده است. بنابراین مطالعه این موارد در راستای اصلاح دستورالعمل‌های بورس کالا و همچنین بکارگیری ابزار حق بافروشی در جهت ارتقای مقررات فعلی اهمیت دارد. در این قسمت ضمن بررسی موارد بالا، به امکان‌سنجی و کاربرد حق بافروشی کالا برای فروشنده و خریدار در بورس کالای ایران پرداخته می‌شود.

انطباق کالا با قرارداد

یکی از مهمترین مباحث حقوق تجارت بین المللی، موضوع انطباق کالا با مفاد قرارداد است. در کنوانسیون بیع بین المللی کالا، موضوع انطباق مادی کالا در مواد ۳۵ تا ۳۷ تصریح شده و احکامی برای آن پیش بینی شده است. همچنین موضوع انطباق کالا با بازرسی و ارسال اخطار عدم انطباق ارتباط پیدا می کند که در مواد ۳۸ و ۳۹ کنوانسیون بیان شده است. به موجب بند ۱ ماده ۳۵ کنوانسیون، فروشنده باید کالایی را تسلیم کند که دارای مقدار، کیفیت و وصف مقرر در قرارداد باشد و نیز به همان ترتیبی که در قرارداد مقرر شده است بسته بندی یا ظرف بندی شده باشد. بند یادشده قاعده اولیه در ارزیابی مطابقت کالا با مفاد قرارداد است و تمام عیوب به استثنای عیب راجع به مالکیت (ماده ۴۱ کنوانسیون) و عیب مربوط به حقوق مالکیت معنوی (ماده ۴۲ کنوانسیون) را تحت پوشش قرار می دهد (شعاریان و رحیمی، ۱۳۹۳، ص ۴۲).

مقدار کالای مورد توافق

یکی از موارد انطباق مادی کالا ناظر به کمیت و مقدار آن است. بایع باید از حیث مقدار، کالایی را تسلیم خریدار کند به طور دقیق در قرارداد تصریح شده است. قصور در تسلیم مقدار دقیق خواه کمتر یا بیشتر از مقدار تصریح شده باشد نقض قرارداد به شمار می رود. در حقوق ایران نیز فروشنده مکلف به تسلیم کالا بر اساس کمیت مورد توافق است و متعاقب مواد ۳۵۵ و ۳۸۵ ق.م.چنانچه مبیع، کمتر یا بیشتر از مقدار مورد توافق تسلیم شود، نقض قرارداد محسوب می شود و ذی حق اختیار فسخ معامله را خواهد داشت. البته در ماده ۳۸۴ ق.م. که ناظر بر مبیع قابل تجزیه است نیز وضعیت مشابهی ملاحظه می شود، با این تفاوت که تسلیم کالای مازاد، نقض قرارداد از سوی فروشنده تلقی می شود و قسمت مازاد متعلق به فروشنده خواهد بود (همان منبع، ص ۴۳).

در بورس کالای ایران تحویل کالا در محدوده ی تلورانس مجاز تحویل یکی از تعهدات فروشنده است. مطابق ماده ۲۳ دستورالعمل تسویه بورس کالا فروشنده مکلف است کالای معامله شده را در محدوده تلورانس تحویل مجاز به خریدار تحویل دهد. در صورتی که حجم کالای تحویل شده در محدوده تلورانس تحویل مثبت باشد، تسویه وجوه ناشی از تلورانس تحویل، قبل از تحویل آخرین محموله کالا توسط خریدار به فروشنده پرداخت می شود. در صورت تحویل کالا با تلورانس مثبت و دریافت نکردن وجه، مسئولیت تحویل آخرین محموله

با فروشنده بوده و بورس، شرکت سپرده‌گذاری مرکزی اوراق بهادار و کارگزاران طرف معامله در این خصوص مسئولیتی ندارند. در صورتی که حجم کالای تحویل شده در محدوده تلورانس تحویل منفی باشد، فروشنده مکلف است حداکثر ظرف یک ماه از تاریخ تحویل آخرین محموله نسبت به تسویه حساب با خریدار اقدام کند.

کیفیت کالای مورد توافق

طبق بند ۱ ماده ۳۵ کنوانسیون، بایع از لحاظ کیفیت باید کالایی را تسلیم کند که منطبق با مفاد قرارداد باشد. همانگونه که از متن ماده معلوم است توافق طرفین در ارزیابی انطباق کالا با مفاد قرارداد نقش اولیه و کلیدی بازی می‌کند. به واسطه همین توافق است که در ارزیابی انطباق کالا با قرارداد در وهله‌ی اول باید ضابطه شخصی ملاک تشخیص قرار می‌گیرد. اینکه آیا تسلیم کالای غیر منطبق نقض اساسی در معنای ماده ۲۵ کنوانسیون است که خریدار را به فسخ قرارداد یا ادعای تسلیم جایگزین محقق سازد یا اینکه نقض غیر اساسی تلقی شود بر اساس سایر قواعد پیش‌بینی شده در کنوانسیون تعیین خواهد شد (شعاریان و رحیمی، ۱۳۹۳، ص ۴۳).

تضمین مطابقت کالاها با مفاد اطلاعیه عرضه و تضمین کیفیت و استاندارد بودن کالا از وظایفی است که پژوهشگران علوم مالی بر عهده اتاق پایاپای در معاملات بورسی گذاشته‌اند اما اتاق پایاپای بورس کالای ایران عملاً تعهدی را بر عهده خویش نپذیرفته است (شهیدی، ۱۳۹۶، ص ۲۰۹) هرچند مطابقت نداشتن کالای تحویلی با آنچه در اطلاعیه عرضه منتشر شده است نقض قرارداد محسوب می‌شود، اما در مقررات بورس کالای ایران چندان مورد تصریح قرار نگرفته است. در حالیکه البته در مقررات، رگه‌های از توجه به چنین معضلی قابل مشاهده است از جمله اینکه در ماده ۴۸ دستورالعمل اجرایی معاملات قراردادهای آتی در شرکت بورس کالای ایران در خصوص خریداری که نسبت به کالای تحویلی معترض است مقرر شده «چنانچه خریدار پس از دریافت کالا هرگونه اختلافی در مورد مشخصات کالای دریافتی با مشخصات آتی مشاهده نماید باید مراتب را حداکثر تا پانزده روز کاری بعد از پایان تحویل کتباً به بورس و هیئت داوری اعلام کند عدم اعلام مراتب طی مهلت مقرر به منزله تأیید ایفای تعهدات فروشنده و اسقاط حق اعتراض به آن از سوی خریدار می‌باشد». علاوه بر این ماده ۲۷ دستورالعمل تسویه در بورس کالا نیز مقرر داشته که «در کلیه قرار دادهای منعقد در بورس چنانچه خریدار نسبت به کیفیت یا کمیت کالای تحویل گرفته شده معترض باشد می‌بایست

اعتراض خود را حداکثر تا سه ماه پس از تحویل کالا به همراه مستندات مربوط کتباً به کارگزار و اتاق پایاپای اعلام نماید پس از انقضای مهلت مذکور هیچگونه اعتراضی از سوی خریدار پذیرفته نمی‌شود...» (همان منبع، ص ۲۳۲)، بنابراین در صورتیکه فروشنده کالای نامنطبق با قرارداد را تحویل خریدار دهد کالای فروشنده در نزد خریدار تا رفع تکلیف توسط بورس باقی می‌ماند و اثبات موضوع و گرفتن خسارت‌های احتمالی همواره به دلایلی از جمله تعدد شکایت در کمیته رسیدگی به اعتراضات مشتریان بورس کالا، زمانبر بوده و منجر به هزینه‌های انبارداری، هزینه‌های فرصت از دست رفته و در مواردی ممکن است کالا ضایع شده و یا از بین برود، بنابراین می‌توان با بکارگیری ابزار حق بافروش کالا از وقوع این رویدادها جلوگیری کرد.

بسته بندی و ظرف بندی کالا

بسته بندی و ظرف بندی کالا نقش مهمی در تسلیم صحیح و سالم کالا بازی می‌کند. از همین رو طرفین قرارداد معمولاً به نوع بسته بندی لازم برای کالا به توافق می‌رسند. در همین راستا قسمت دوم بند ۱ ماده ۳۵ مقرر داشته است که کالا باید با همان ترتیبی که در قرارداد معین شده است بسته بندی شود. با این که بسته بندی ارتباط مستقیم با کیفیت خود کالا ندارد کنوانسیون عدم رعایت بسته بندی را نیز به عنوان یک از مصادیق عدم انطباق مادی کالا در نظر می‌گیرد بنابراین اگر کالا به طریقی که در قرارداد مقرر نشده بسته بندی نشود نقض قرارداد اتفاق افتاده است.

بنا به جزء (د) بند ۲ ماده ۳۵ کنوانسیون در صورتیکه در قرارداد به شکل و بسته بندی کالا اشاره نشده باشد در چنین حالتی کالا باید به ترتیب متعارف برای این قبیل کالاها و در صورتی که ترتیب متعارفی وجود نداشته باشد به نحوی که بقا و سلامت کالا تامین شود در ظرف گنجانده و بسته بندی شود (شعاریان و رحیمی، ۱۳۹۳، ص ۴۸).

در قوانین و دستورالعمل‌های بورس کالا به طور مشخص در مورد بسته بندی کالا بحث نشده است اما همانگونه که اشاره شد عدم مطابقت کالای تحویلی با آنچه در اطلاعیه عرضه منتشر شده است نقض قرارداد محسوب می‌شود و در اطلاعیه عرضه که در روز قبل از معامله منتشر می‌شود بسته بندی کالای عرضه شده (مثلاً به صورت جامبو، فله، پالت و ...) مشخص شده است و فروشنده متعهد است کالا را در قالب آن بسته بندی تحویل دهد. مطابق ماده ۲۴

دستورالعمل تسویه و پایاپای «در صورت عدم تحویل تمام یا بخشی از کالا طبق زمان تحویل اعلامی در اطلاعیه عرضه و شرایط مندرج در ماده ۱۹ این دستورالعمل، خریدار می‌تواند درخواست مکتوب خود را طبق فرمت به همراه اسناد مثبت مبنی بر تاخیر در تحویل کالا توسط فروشنده از طریق کارگزار خریدار به اتاق پایاپای ارایه نماید و براساس آن درخواست تحویل با تاخیر یا فسخ بخش تحویل نشده قرارداد را بنماید».

در قانون مدنی ایران، احکامی راجع به بسته بندی کالا پیش بینی نشده است اما این موضوع تحت شمول قواعد کلی قرار می‌گیرد و حکم قضیه بر اساس احکام شرط فعل مشخص می‌شود بنابراین حکم ماده ۲۳۷ ق.م در خصوص تعهد متعهد به انجام فعل مشروط می‌تواند مبنایی برای تعهد بایع به بسته بندی کالا به حساب آید. در صورتی که قرارداد راجع به بسته بندی کالا ساکت باشد حکم ماده ۲۲۰ ق.م ملاک عمل خواهد بود زیرا عقود، طرفین را به نتایج ناشی از عرف ملزم می‌کند و در چنین وضعیتی باید تعهد بایع به بسته بندی و نوع آن را با رجوع به عرف شناسایی کرد (همان منبع، ص ۴۹).

قلمرو زمانی مسئولیت بایع برای عدم انطباق

به موجب بند ۲ ماده ۳۶، بایع مسئول هر نوع عدم انطباقی است که پس از انتقال ضمان معاوضی حادث شده باشد مشروط بر اینکه از نقض هر نوع ضمانت بایع، دایر بر اینکه کالا تا مدتی به منظور استفاده برای مقاصد معمولی و متعارف یا برای برخی مقاصد خاص، مناسب خواهد بود یا خصایص یا کیفیت مشخصی را حفظ خواهد کرد، بنابراین ملاحظه می‌شود کنوانسیون، مسئولیت بایع را به برخی از اوضاع و احوال معین توسعه داده است. البته باید توجه داشت که همه این مسئولیت‌ها محدود به مهلت نهایی مقرر در بند ۲ ماده ۳۹ کنوانسیون است و طبق بند مزبور اگر مشتری حداکثر ظرف دو سال از تاریخی که عملاً کالا به او تسلیم شده است یادداشتی حاکی از عدم انطباق جهت بایع ارسال نکند حق او در استناد به عدم انطباق ساقط می‌شود مگر اینکه مهلت با دوره تضمین کالا که در قرارداد تعیین شده است مغایر باشد (شعاریان و رحیمی، ۱۳۹۳، ص ۵۹).

همانطور که قبلاً اشاره شد با توجه به ماده ۲۷ دستورالعمل تسویه و پایاپای معاملات بورس کالای ایران مصوب ۱۳۸۹ در کلیه قراردادهای منعقد در بورس چنانچه خریدار نسبت به کیفیت یا کمیت کالای تحویل گرفته شده معترض باشد، می‌بایست اعتراض خود را حداکثر تا سه ماه

پس از تحویل کالا به همراه مستندات مربوطه، کتباً به کارگزار و اتاق پایاپای اعلام کند. پس از انقضای مهلت یادشده هیچگونه اعتراضی از سوی خریدار پذیرفته نمی‌شود.

امکان سنجی حق بازفروش کالا برای فروشنده

خریدار دو وظیفه عمده دارد، یکی پرداخت ثمن و دیگری قبض کالا است. هرگاه خریدار از وظایف خود سر باز زند، فروشنده حق دارد که مطابق ماده ۶۲ کنوانسیون اجرای قرارداد را از وی درخواست کند و این دادگاه است که خریدار را ملزم به انجام وظیفه خود می‌کند. فروشنده در صورتی می‌تواند اجرای اجباری را درخواست کند که از سایر راه‌های جبران خسارت منافی با اجرای اجباری (مثل فسخ قرارداد) استفاده نکرده باشد (ماده ۶۴). هرگاه در اثر مرور زمان خطر تلف شدن کالا در میان باشد (مثلاً کالا از کالاهای فاسد شدنی باشد) و خریدار اقدام به قبض آن نکند کنوانسیون به فروشنده حق داده است که کالا را بازفروش کند و خسارت خود را از این راه جبران کند (ماده ۸۱ بند ۱) (شهباز قهقرچی، ۱۳۹۳، ص ۹۰). بند ۱ ماده ۶۳ کنوانسیون به خریدار مهلتی می‌دهد تا در آن مدت، کالا را قبض کند. بند دوم همان ماده مقرر داشته است که در مدت مزبور، فروشنده حق تمسک به هیچ یک از راه‌های جبران خسارت را نخواهد داشت. پس از انقضای این مهلت، فروشنده می‌تواند مطابق ماده ۶۴ کنوانسیون قرارداد را فسخ کند و چنانچه خریدار در طی مهلت مقرر ثمن را پرداخت کند، حق فسخ فروشنده از بین خواهد رفت و از پایه با پرداخت ثمن توسط خریدار، عین قرارداد اجرا شده خواهد بود، ولی اگر خریدار در مهلت مزبور نیز ثمن را پرداخت نکند «فروشنده از هر حقی که ممکن است جهت ادعای خسارت برای تاخیر در ایفای تعهد داشته باشد محروم نخواهد شد» (بند ۲ ماده ۶۳) (همان منبع).

تعهدات اصلی خریدار در حقوق ایران همانند کنوانسیون عبارتند از تادیه ثمن و قبض مبیع، بند ۴ ماده ۳۶۲ قانون مدنی در ذیل مبحث آثار بیع بیان می‌دارد: «عقد بیع مشتری را به تادیه ثمن ملزم می‌کند». ضمانت اجراهای مختلفی در خصوص این تعهد بیان شده‌اند که عبارتند از: حق حبس، الزام به پرداخت ثمن، حق فسخ از جهت خیار تاخیر ثمن و یا تفلیس و ضمانت اجراهای قراردادی مانند پیش‌بینی حق فسخ، انفساخ و وجه التزام. البته وجه التزام در این خصوص می‌تواند به صورت پیش‌بینی خسارت تاخیر و یا عدم انجام تعهد باشد اما در خصوص تعهد خریدار نسبت به قبض مبیع صراحتی در مواد قانونی دیده نمی‌شود (اصغری آقمشهدی و

زارعی، ۱۳۸۹، ص ۱۹۹). با توجه به ضمانت اجراهایی که در خصوص تعهدات خریدار بیان شد می توان گفت با رعایت در صورتی می تواند کالای مورد معامله را به علت عدم پرداخت ثمن و یا عدم قبض مبیع توسط خریدار بازفروش کند که عقد بیع با توجه به اختیارات قانونی یا قراردادی فسخ شده باشد و بدیهی است این امر با آنچه که در خصوص معنای اخص بازفروش گفته شد که عبارت است از حق فروش مجدد کالا توسط بائع به دلیل نقض تعهدات قراردادی توسط خریدار بدون نیاز به انحلال بیع منعقد، متفاوت است بنابراین باید گفت حق بازفروش کالا در معنای اخص خود در حقوق ایران جایگاهی ندارد و در نتیجه اگر بائع قبل از انحلال بیع به یکی از طرق قانونی یا قراردادی به دلیل تخلف خریدار در پرداخت ثمن یا قبض مبیع اقدام به بازفروش کالا نماید، معامله اخیر تصرف در مال غیر محسوب و در نتیجه تابع احکام معاملات فضولی است (همان منبع، ص ۲۰۰).

مطابق بند ۱۵ ماده ۱ دستورالعمل تسویه و پایاپای بورس کالا، «مهلت تسویه سه روز کاری بعد از روز انجام معامله می باشد. زمان بندی انجام امور تسویه طی مهلت تسویه براساس مصوبه هیات مدیره «شرکت» تعیین می گردد» و با توجه به بند ۴ صورتجلسه شماره ۵۸۰ سازمان بورس و اوراق بهادار در صورتیکه انجام امور تسویه با تاخیر و حداکثر تا ۳ روز کاری پس از مهلت تسویه انجام شود کارگزار خریدار به ازای هر روز کاری تاخیر موظف به پرداخت ۰/۲۵ درصد ارزش معامله است و چنانچه تا پایان ۳ روز کاری پس از مهلت تسویه، امور تسویه انجام نشود کارگزار خریدار مکلف است ۵ درصد ارزش معامله را به همراه سایر هزینه های مصوب به عنوان خسارت انفساخ پرداخت کند.

با توجه به دستورالعمل فوق در صورت عدم انجام تسویه قرارداد فسخ می شود و کالا در مالکیت فروشنده باقی می ماند و اساساً تا قرارداد در بورس کالا تسویه نشود مالکیت کالا به خریدار منتقل نمی شود بنابراین در صورتیکه خریدار کالا را تسویه نکند حق بازفروش موضوعیت ندارد. در مورد عدم قبض مبیع می توان حق بازفروش را در بورس کالای ایران پیاده نمود. تجربیات گذشته در بورس کالا بخصوص در مواقعی که کالا با افت فاحش ناگهانی همراه بوده است، بیانگر این است که در برخی موارد مشتریان به دلیل کاهش شدید قیمت از قبض مبیع و دریافت کالای خود سر باز زده اند. خودداری تحویل کالا توسط خریداران به انباشت غیر عادی کالاها در انبار تولیدکننده و خطرات جانبی ناشی از کمبود فضای انبار و در حالت گسترده تر منجر به توقف خط تولید می شود و راه اندازی مجدد خطوط تولید برای بعضی از

این شرکت‌ها مانند پالایشگاه‌ها، کارخانه‌های فولادی و پتروشیمی‌ها که دارای خطوط تولید پیوسته هستند با هزینه‌های بسیار بالایی همراه است. بنابراین در صورتیکه امکان بازاریابی کالا توسط فروشنده در قوانین بورس دیده شود فروشنده می‌تواند از این امکان استفاده کرده و کالاهایی که در انبار خود به صورت امانی باقی مانده پس از ارسال اخطار و رعایت قوانین مرتبط به فروش رساند.

امکان سنجی حق بازاریابی کالا برای خریدار

طبق بند ۱ ماده ۳۵ کنوانسیون، بایع از لحاظ کیفیت باید کالایی را تسلیم کند که منطبق با مفاد قرارداد باشد و همچنین کالا باید با همان ترتیبی که در قرارداد معین شده است بسته بندی شود. بنا به جزء (د) بند ۲ ماده ۳۵ کنوانسیون در صورتیکه در قرارداد به شکل و بسته بندی کالا اشاره نکرده باشد در چنین حالتی کالا باید به ترتیب متعارف برای این قبیل کالاها و در صورتی که ترتیب متعارفی وجود نداشته باشد به نحوی که بقا و سلامت کالا تامین شود در ظرف گنجانده و بسته بندی شود (شعاریان و رحیمی، ۱۳۹۳، ص ۴۹). طبق بند دوم ماده ۴۶ کنوانسیون، در صورتی که کالای تسلیم شده به مشتری منطبق با قرارداد نباشد و این عدم انطباق نیز به عنوان نقض اساسی تلقی شود مشتری می‌تواند درخواست تسلیم کالای جانشین را از فروشنده بکند. البته طبق قانون ماده ۳۹ کنوانسیون مشتری باید قبل از اخطاری مبنی بر مطابقت نداشتن کالا به فروشنده بدهد یا در مدت متعارفی بعد از آن، درخواست کالای جانشین را به فروشنده بدهد. هرگاه مبیع کلی باشد و فروشنده کالای غیر منطبق تسلیم کند در واقع به قرارداد خود عمل نکرده و مشتری می‌تواند اجرای اجباری قرارداد را در قالب درخواست کالای جانشین مطرح کند (شهباز قهقرجی، ۱۳۹۳، ص ۹۱). براساس بند ۱ و ۲ ماده ۸۶ مشتری می‌تواند پس از قبض، کالا را رد کند. در این صورت، اگر بایع نسبت به استرداد کالا تأخیر غیرمتعارف معمول دارد، مشتری حق بازاریابی کالا را می‌یابد.

در حقوق ایران هرگاه کالای تسلیم شده منطبق با قرارداد نباشد و مبیع کلی باشد مشتری می‌تواند درخواست کالای منطبق با قرارداد را بکند (ماده ۴۸۲ ق.م). این اقدام در واقع درخواست اجرای اصل قرارداد است و به آن مفهومی که در کنوانسیون آمده نیست. در مواردی که مبیع عین معین است هرگاه عین غیر منطبق با قرارداد باشد بایستی این عدم انطباق را مورد بررسی قرار دهد. در واقع به موجب ماده ۲۴۸ قانون مدنی «اگر موضوع تعهد عین معینی

باشد، تسلیم آن به صاحبش در وضعیتی که حین تسلیم دارد موجب برائت می شود، اگرچه کسر و نقصان داشته باشد...». حالت دیگری که قانون ایران پیش بینی کرده در جایی است که «چیزی معین به عنوان جنس خاصی فروخته شود و در واقع از آن جنس نباشد» در اینجا اصل بیع باطل است (م ۳۵۳ ق.م). اگر کالای تسلیم شده غیر از آن چیزی باشد که در قرارداد معین شده بایع به تعهد خویش عمل نکرده و از این رو مشتری می تواند الزام وی را به اجرای تعهد بخواهد و در صورت عدم امکان الزام، حق فسخ دارد (همان منبع).

باتوجه به ماده ۲۲ دستورالعمل تسویه و پایاپای، فروشنده دارای دو تعهد صدور حواله خرید کالا و تحویل کالا است که تخلف از هر یک با ضمانت اجرای حقوقی مواجه می شود. عدم صدور حواله خرید کالا در مهلت مقرر باعث انفساخ قرارداد و جریمه فروشنده به پرداخت ۵ درصد ارزش معامله به عنوان خسارت انفساخ به همراه کلیه هزینه های مصوب مرتبط می گردد. تخلف از تعهد دوم مبنی بر تحویل کالا، با ضمانت اجرای اختیار فسخ خریدار یا درخواست تحویل با تاخیر به همراه گرفتن خسارت تاخیر توسط خریدار همراه خواهد بود (شهیدی، ۱۳۹۶، ص ۱۶۸)، اما در بحث تحویل کالا مطابق ماده ۲۳ دستورالعمل تسویه بورس کالا فروشنده مکلف است کالای معامله شده را در محدوده تلورانس تحویل مجاز به خریدار تحویل دهد و از سوی دیگر کالای تحویلی از نظر کیفیت و بسته بندی با اطلاعیه عرضه تطابق داشته باشد.

در مورد عدم صدور حواله خرید توسط فروشنده همانطور که گفته شد قوانین شفاف و با جریمه برای فروشنده همراه است لیکن در مورد تحویل کالا به صورت نامنتطبق با اطلاعیه عرضه، با توجه به ماده ۲۷ دستورالعمل تسویه و پایاپای بورس کالا، «چنانچه خریدار نسبت به کیفیت یا کمیت کالای تحویل گرفته شده معترض باشد می بایست اعتراض خود را حداکثر تا سه ماه پس از تحویل کالا به همراه مستندات مربوط کتباً به کارگزار و اتاق پایاپای اعلام نماید». بنابراین خریدار باید بابت عدم انطباق کالای خود از فروشنده در اتاق پایاپای شکایت و موضوع به کمیته رسیدگی به اعتراضات مشتریان ارجاع می شود. البته دستورالعمل به تسلیم کالای جانشین اشاره نکرده است لیکن در صورت اثبات عدم تطابق کالا، تسلیم کالای جانشین از راه های جبران خسارت خریدار است.

با توجه به تعدد شکایت ها در مواردی پیگیری و تعیین تکلیف موضوع طولانی می شود و به غیر از هزینه انبارداری و هزینه فرصت که برای خریدار ایجاد شده بیم خراب شدن کالا نیز وجود دارد. در این حالت با توجه به عدم تطابق کالای در اختیار خریدار با اطلاعیه عرضه، هرچند کالا در ید خریدار است لیکن مالکیت آن برای فروشنده است. در این موارد می توان از حق بازفروش کالا استفاده نمود به

گونه‌ای که خریدار کالا را به فرد ثالثی که امکان استفاده از کالا را دارد فروخته و خسارت خود را از فروشنده در خواست کند. البته با توجه به بند ۱ ماده ۷ کنوانسیون، عدم مطابقت های عرفاً کوچک طبق اصل حسن نیت نباید موجب رد کالا توسط خریدار شود.

تعیین حق بازفروش برای خریدار و فروشنده در دستورالعمل های بورس کالا باید همراه با ملاحظات صورت گیرد به گونه ای که همانند بند اول و دوم ماده ۸۸ کنوانسیون، یکی از شرایط بازفروش صدور اخطار لازم قبل از اقدام به بازفروش کالا است. هدف از این اخطار این است که فرصتی برای اجرای تعهد طرف مقابل ایجاد و یا با حضور در جلسه بازفروش از رعایت غبطه خویش اطمینان یابد (داراب پور، ۱۳۷۴، ص ۱۹۴)

اخطار مورد نظر این ماده می تواند کتبی یا شفاهی باشد. این موضوع از اطلاق ماده ۸۸ و ماده ۲۸ کنوانسیون قابل دریافت است. اما برابر آنچه در ماده ۲۷ قابل استنباط است، اخطار باید ارسال شود و به محض ارسال صدور اخطار محقق می شود و بر خلاف ایجاب و قبول که در کنوانسیون به نظریه «وصول» تمایل دارد، در اینجا با ارسال اخطار انجام می گیرد. در باب ضمانت اجرای عدم ارسال اخطار نیز هر چند پیش نویس کنوانسیون تا مرز ابطال بازفروش پیش رفته بود، اما در متن نهایی به این موضوع اشاره ای نشده است؛ چون متخلف از دادن اخطار، به تنهایی یک تعهد فرعی را نقض می کند و در نتیجه بازفروش انجام شده باید صحیح تلقی و به تنهایی حکم به جبران خسارت طرف متقابل داده شود (اندرلین و ماسکو، ۱۹۹۲).

به موجب بند اول ماده ۸۸ بایعی که قصد بازفروش کالا را دارد باید فروش را بر اساس روشی که در قانون ملی قابل اعمال در مکان فروش به رسمیت شناخته شده است انجام دهد (بارا گراف^۱، ۱۹۸۷)، از طرف دیگر چنانچه ثابت شود بازفروش تحت شرایط متعارف و اقدامات معمول صورت نگرفته، بازفروشنده ضامن پرداخت خسارت وارده است (Schlechtriem, 2008).

نتیجه گیری پژوهش

بورس های کالایی به عنوان یکی از بازارهای مالی کشور محسوب می شوند که در آنها کالا و ابزار مالی مورد داد و ستد قرار گرفته و دارای فرآیند خاص و تشریفاتی است به گونه ای که

1. Enderlein & Maskow
2. Barra Graf

هم در تشکیل عقود و هم در اجرای عقود و هم در ضمانت اجرای معاملات متفاوت از قواعد عمومی و دارای شرایط اختصاصی قرارداد هستند. خریداران و فروشندگان به عنوان بازیگران اصلی این بازار قلمداد می‌شوند که دارای وظایف و متناسب آن از حقوقی برخوردار هستند. خریدار دو وظیفه عمده دارد که لازم است انجام دهد، یکی پرداخت ثمن و دیگری قبض کالا است. هرگاه خریدار از وظایف خود امتناع کند فروشنده حق دارد اجرای قرارداد را از وی درخواست کند. در صورت عدم واریز ثمن معامله و عدم تسویه قرارداد یادشده در مهلت مقرر قرارداد فسخ شده و مطابق دستورالعمل تسویه و پایاپای بورس کالا خریدار ملزم به پرداخت جرایمی می‌شود، اما در حالتی که خریدار پس از تسویه به دلایلی از تحویل گرفتن کالا خودداری کند دستورالعمل پایاپای بورس کالا سکوت کرده است و عدم تحویل می‌تواند مشکلات متعددی برای فروشنده ایجاد کند، بنابراین یکی از راه‌های برطرف کردن مشکل در نظر گرفتن حق بازفروش برای فروشنده است. بدیهی است مکانیزم فروش و هزینه‌های مرتبط با آن باید به گونه‌ای باشد که کمترین خسارت را برای خریدار به همراه داشته باشد. از سوی دیگر باتوجه به ماده ۲۲ دستورالعمل تسویه و پایاپای، فروشنده دارای دو تعهد صدور حواله خرید کالا و تحویل کالا است که تخلف از هر یک با ضمانت اجرای حقوقی مواجه می‌شود. عدم صدور حواله خرید کالا همانند عدم واریز ثمن توسط خریدار با جرایمی همراه است اما تخلف از تعهد دوم مبنی بر تحویل کالا به صورت نامنتطبق با اطلاعیه عرضه از موارد چالشی است که دستورالعمل به صراحت اقدام مربوطه را مشخص نکرده است و طبق ماده ۲۷ دستورالعمل تسویه و پایاپای بورس، به تنهایی حق اعتراض برای خریدار به اتاق پایاپای حداکثر تا سه ماه پس از تحویل کالا را در نظر گرفته است. با توجه به وضعیت فعلی تعدد شکایات و زمانبر بودن رسیدگی‌ها و در حالتی که نگهداری کالای نامنتطبق برای خریدار با هزینه زیادی نسبت به ارزش کالا همراه باشد و یا بیم ضایع شدن کالا وجود داشته و از سوی دیگر امکان استفاده این کالا برای خریدار وجود نداشته باشد در این موارد می‌توان حق بازفروش کالا برای خریدار قائل بود به گونه‌ای که پس از اعلام و دادن اخطار به فروشنده، کالا را به قیمت مناسب به شخص ثالثی منتقل و مابه‌التفاوت خسارت خود را از فروشنده طلب کند. البته همانند بند اول و دوم ماده ۸۸ کنوانسیون، یکی از شرایط بازفروش صدور اخطار لازم قبل از اقدام به بازفروش کالا است و از طرفی در صورتیکه شرایط متعارف و اقدامات معمول در باز فروش صورت نگیرد بازفروشنده ضامن پرداخت خسارت وارده است.

منابع

- اصغری آقمشهدی، فخرالدین؛ زارعی، رضا. (۱۳۸۹). "حق بافروش کالا مطالعه تطبیقی"، *پژوهشنامه بازرگانی*، شماره ۵۷، بورس کالای ایران. (۱۳۹۷). معرفی شرکت بورس کالای ایران، روابط عمومی و بین الملل شرکت بورس کالای ایران، چاپ اول.
- تاری، حسین. (۱۳۹۱). "تعهد مشتری به پرداخت ثمن در کنوانسیون بیع بین المللی کالا (۱۹۸۰ وین) و حقوق ایران"، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران.
- حاجی عزیزی، بیژن و بیژن بیات. (۱۳۹۷). "ضرورت الحاق به کنوانسیون بیع بین المللی کالا"، *مجله حقوقی بین المللی*، شماره ۵۸.
- داراب پور، مهرباب. (۱۳۷۴). "تفسیری بر حقوق بیع بین المللی نوشته هیجده نفر از دانشمندان حقوق دانشگاه های معتبر جهان"، *گنج دانش*، دوره سه جلدی، چاپ اول، تهران.
- رجایی فاطمه و سیدمحسن آریز. (۱۳۹۸). "مقایسه ضمانت اجرایی خریدار و فروشنده در فقه امامیه حقوق ایران با بافروش کالا در کنوانسیون بیع بین المللی کالا (وین ۱۹۸۰)"، *دانش حقوق مدنی*، سال هشتم، شماره دوم.
- سلطانی، محمد. (۱۳۹۱). "تبیین و تحلیلی جایگاه ماده ۹۹ قانون برنامه پنجساله توسعه جمهوری اسلامی ایران در بازار سرمایه کشور"، *فصلنامه بورس اوراق بهادار*، شماره ۲۰، سال پنجم.
- سلطانی نژاد، حامد و مهدی حاجیوند. (۱۳۹۷). *دانشنامه بورس کالای ایران*، انتشارات بورس چاپ اول.
- شعاریان، ابراهیم و رحیمی، فرشاد. (۱۳۹۳). "انطباق مادی کالا با قرارداد در کنوانسیون بیع بین المللی کالا مصوب ۱۹۸۰ و حقوق ایران"، *مجله حقوقی بین المللی*، شماره ۵۱.
- شهباز قهقرجی، سجاد. (۱۳۹۳). "مسئولیت قراردادی و راه های جبران خسارت آن در کنوانسیون بیع بین المللی با مطالعه تطبیقی در فقه و حقوق ایران"، شماره ۳، مطالعات فقه امامیه.
- شهیدی، سیدمرتضی. (۱۳۹۳). "ضوابط اختصاصی معاملات کالایی در بورس"، *پایان نامه دکتری*، دانشگاه قم.
- شهیدی، سیدمرتضی. (۱۳۹۶). *قواعد حقوقی حاکم بر معاملات در بورس های کالایی*، تهران، نشر میزان.
- صادقی مقدم، محمدحسن و عبدالله رجیبی. (۱۳۹۰). "بازفروش مبیع"، *پژوهش حقوق عمومی*، شماره ۳۴.
- صفایی، حسین. (۱۳۹۰). *حقوق بیع بین المللی*، چاپ سوم، تهران، موسسه انتشارات دانشگاه تهران.
- عباسی منش، حمیدرضا. (۱۳۹۱). "اعطای مهلت اضافی توسط فروشنده یا خریدار به طرف مقابل در جهت اجرای تعهد در کنوانسیون بیع بین المللی کالا (مصوب ۱۹۸۰ وین) و حقوق ایران"، *پایان نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه مازندران.
- فرجی، اسداله. (۱۳۹۴). "تعلیق اجرای قرارداد در کنوانسیون بیع بین المللی کالا (۱۹۸۰ وین) و حقوق ایران"، *پایان نامه کارشناسی ارشد*، علامه طباطبائی.

معصومی، محمدمهدی. (۱۳۹۷). "مطالعه تطبیقی شیوه های جبران خسارت در حقوق ایران و کنوانسیون های بین المللی"، پایان نامه دکتری، دانشگاه آزاد قم.

نجفی تیرتاشی، مریم. (۱۳۹۳). "شیوه های جبران خسارت در حقوق ایران و کنوانسیون بیع بین المللی کالا ۱۹۸۰"، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران.

هیات مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار. (۱۳۸۶). "دستورالعمل اجرایی معاملات قراردادهای آتی در شرکت بورس کالای ایران"، سازمان بورس و اوراق بهادار.

هیات مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار. (۱۳۸۷). "دستورالعمل پذیرش کالا و اوراق بهادار مبتنی بر کالا در بورس کالای ایران"، سازمان بورس و اوراق بهادار.

هیات مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار. (۱۳۸۹). "دستورالعمل تسویه و پایاپای معاملات بورس کالای ایران"، سازمان بورس و اوراق بهادار.

- Barrera Graf, Gorge. (1987). *Commentry on the International Sales Law*, Reproduced with Permission of Pott, A Giuffre Editor, S.p.A.
- Bukley, Ross and Andrews Ziegler. (2014). "CISG Exclusion and Legal efficiency", *Kluwer Law International*, Netherland.
- Cuniberti, Gilles. (2006). "Is the CISG Benefiting Anybody?" *Vanderbilt Journal of Transnational Law*, vol. 39, p.1514.
- Dalton, James, Robert B. Dalton, Eric T. Jones. (2007). *Markets in profile: profiting from the auction process*, USA, John Wiley & Sons, Inc.
- Enderlien, Fritz and Maskow, Dietrich. (1992). *United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods, Convention on the Limitation Period in the International Sale of Goods*. New York: Oceana Publications, International Sales Law.
- Honnold, John. (1991). "Uniform Law for International Sales under the 1980 United Nations Convention". *Kluwer Law International*.
- Kritzer, Albert H. (1998). "Guide to Practical Application of the United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods", *Kluwer Law and Taxation Publishers*, Boston.
- Schlechtriem, Peter et Witz, Claude. (2008). "Convention de Vienne sur les contrats de vente international de marchandises", *Dalloz*, Paris.
- Sono, Kazuaki. (1984). "UNCITRAL and the Vienna Sales Convention", *International Lawyer*, vol.18, pp. 7-15.

COPYRIGHTS



© 2020 Securities and Exchange Organization, Tehran, Iran. This license lets others remix, tweak, and build upon your work non-commercially, and although their new works must also acknowledge you and be non-commercial, they don't have to license their derivative works on the same terms.